

# تأثیر تکیه در زمان افعال در گویش مازندرانی قائم شهر

عالیه کرد زعفرانلو کامبوزیا (دانشگاه تربیت مدرس)

مصطفی اسفندیاری (دانشجوی کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس)

چکیده: تکیه یکی از خصوصیات زیررنجیری است که در برخی زبان‌ها یا گویش‌ها تمایزدهنده است. در مقاله حاضر نقش تمایزدهنده تکیه در زمان دستوری برخی افعال در گویش مازندرانی قائم شهر بررسی شده است. بدین منظور تعدادی از پربسامدترین افعال، که فقط با تفاوت تکیه زمان دستوری آنها عوض شده است، از گویش قائم شهر استخراج شده و سپس در دو زمان گذشته ساده و نقلی با هم مقابله شده‌اند. نتایج حاصل از این تحقیق در دو مورد خلاصه می‌شود: ۱. تغییر جایگاه تکیه از هجای اول به هجای دوم موجب تغییر زمان از گذشته ساده به گذشته نقلی می‌شود؛ ۲. واژه [e] در برخی صورت‌های تصریفی نشان‌دهنده فرایند واجی «درج» در بین خوشه‌های سه همخوانی است. کلیدواژه‌ها: تکیه، گذشته ساده، گذشته نقلی، درج، آغازشگر

## ۱ مقدمه

هدف از نگارش این مقاله بررسی ویژگی «تکیه» به عنوان یک مشخصه تمایزدهنده در زمان برخی افعال در گویش مازندرانی گونه قائم شهر است. بدین منظور شصت فعل از پربسامدترین افعال، که فقط با تفاوت تکیه معنای آنها عوض شده است، از گویش قائم شهر استخراج شده است (جدول ۳). یکی از نگارندگان براساس شمّ زبانی خود، به عنوان گویشور قائم شهر، و از طریق گفت‌وگویی حضوری با چهار گویشور بومی به نام‌های علی اصغر سلیمانپور (۵۷ ساله با تحصیلات ابتدایی)، عزیزه فلاح (۴۸ ساله با تحصیلات راهنمایی)، ابراهیم شمسی (۳۸ ساله با تحصیلات دانشگاهی) و صغری رسولی

(۵۳ ساله و بیسواد) به جمع‌آوری این افعال پرداخته است. همچنین از پایان‌نامه‌ها و کتاب‌هایی که در زمینه گویش مازندرانی نوشته شده استفاده شده است. شیوه کار چنین است که صورت آوانویسی شده فعل‌های جمع‌آوری شده در دو زمان گذشته ساده و گذشته نقلی، همراه با علامت تکیه در هر کدام، با هم مقابله و معادل فارسی آنها نیز در ستون‌های جداگانه ذکر شده‌اند.

## ۲ پیشینه تحقیق

تاکنون مطالعات بسیاری درباره گویش مازندرانی انجام شده است که از آن جمله می‌توان به واژه‌نامه طبری (صادق‌کیا ۱۳۱۶)، پژوهشی در زبان طبری (هومند ۱۳۶۹)، واژه‌نامه مازندرانی (نجف‌زاده ۱۳۶۸)، گویش ساری (مازندرانی) (شکری ۱۳۷۴)، و پایان‌نامه کارشناسی ارشد آمنه جمشیدی (۱۳۷۷) با نام «آواشناسی و واج‌شناسی گویش قائم‌شهر» اشاره کرد. با اینکه این گویش از جنبه‌های مختلف آواشناسی، واج‌شناسی و صرف و نحو در مقاله‌ها و پایان‌نامه‌های بسیاری بررسی شده است، اما درباره نقش تمایزدهنده تکیه در معنی و زمان افعال در این گویش پژوهشی انجام نشده است. فقط شکری در فصل دوم از کتاب گویش ساری (مازندرانی)، آنجا که در مورد زمان افعال سخن می‌راند، بر این باور است که در این گویش صورت گذشته نقلی یا حال کامل وجود ندارد و هم‌اکنون به جای ماضی نقلی صورت ماضی ساده کاربرد دارد؛ ولی احتمالاً در گذشته ماضی ساده و نقلی با تکیه از هم تمیز داده می‌شدند (شکری ۱۳۷۴: ۱۲۱). اما به اعتقاد نگارندگان این مقاله زمان ماضی نقلی در حال حاضر در گویش مازندرانی قائم‌شهر وجود دارد و نقش تمایزدهنده تکیه در داده‌های زیر مؤید این مطلب است.

## ۳ ارائه داده‌ها

تکیه یکی از مشخصه‌های نوایی<sup>۱</sup> گفتار است که با مؤلفه آغازش<sup>۲</sup> مرتبط است. کت‌فورد (۱۹۸۸: ۳۵-۳۲، ۱۸۰-۱۷۲) تکیه را نیروی آغازشگر یا میزان نیروی اعمال‌شده توسط

1) prosodic

2) initiation

آغازشگر بر روی «بست»<sup>۳</sup> تولیدی توصیف می‌کند. با توجه به آنچه کت‌فورد بیان می‌کند، اصطلاح تکیه فقط در جریان هوای ششی برونسو تعریف می‌شود. افزایش نیروی آغازشگر، که موجب شدت حرکت جریان هوا در مجرای گفتار می‌شود و تکیه را ایجاد می‌کند، روی «بلندی»<sup>۴</sup> آوا و همچنین «زیر و بمی»<sup>۵</sup> و «دیرش»<sup>۶</sup> همان آوا یا هجا تأثیر می‌گذارد؛ به طوری که آوای تکیه‌دار بلندتر، دارای زیر و بمی بیشتر و با دیرش طولانی‌تر نسبت به آواهای مجاور شنیده می‌شود. (کنستوویچز ۱۹۹۴: ۴۸)

تمایز میان هجای تکیه‌دار و بدون تکیه براساس میزان برجستگی تعیین می‌شود. به عبارت دیگر، هجای تکیه‌دار در آوانویسی با یک خط عمود کوتاه بر بالای هجا مشخص می‌شود. در بسیاری از زبان‌ها دو درجه از تکیه به صورت معنی‌دار و تمایزدهنده استفاده می‌شود؛ به طوری که «هجای تکیه‌دار» با «تکیه قوی» و «هجای بدون تکیه» با «تکیه ضعیف» مشخص می‌شود. اما تکیه در برخی زبان‌ها و گویش‌ها به عنوان عاملی تمایزدهنده در تغییر معنا یا نقش دستوری تأثیر دارد.

در برخی زبان‌ها، از جمله انگلیسی، جایگاه تکیه در بعضی واژه‌ها موجب تمایز اسم از فعل می‌شود. مثلاً در «abstract» اگر تکیه روی هجای اول قرار گیرد، این واژه اسم تلقی می‌شود و اگر روی هجای دوم قرار گیرد، این واژه به لحاظ دستوری فعل در نظر گرفته می‌شود (کت‌فورد ۱۹۸۸: ۱۷۶). تکیه در برخی زبان‌ها مانند ژاپنی نقش مرزنامی دارد. به عبارت دیگر، جایگاه تکیه در ابتدا یا انتهای واژه ثابت است و نشان‌دهنده مرز میان واژگان است.

در این مقاله تغییر جایگاه تکیه در یک صورت فعلی ثابت نشان‌دهنده تغییر زمان فعل از گذشته ساده به گذشته نقلی یا حال کامل در گویش مازندرانی قائم‌شهر است. داده‌های زیر این نقش تمایزدهنده تکیه را در تغییر زمان افعال نشان می‌دهد. در این داده‌ها، اول شخص مفرد افعال گویش قائم‌شهر در دو زمان گذشته ساده و گذشته نقلی همرا با علامت تکیه و معنی فارسی نوشته شده‌اند و، به عنوان نمونه، یک فعل در زمان گذشته ساده و گذشته نقلی صرف شده است. برای رعایت اختصار، سایر افعال در قسمت داده‌ها همانند نمونه صرف می‌شوند و فقط ستاک فعل عوض می‌شود.

3) stricture

4) loudness

5) pitch

6) duration

جدول ۱. زمان گذشته ساده در گویش قائم‌شهر

مفرد	معنی فارسی	جمع	معنی فارسی
'ba-xer-d-e-me	خوردم	'ba-xer-d-e-mi	خوردیم
'ba-xer-d-i	خوردی	'ba-xer-d-e-ni	خوردید
'ba-xer-d-e	خورد	'ba-xer-d-e-ne	خوردند

در جدول (۱) تکیه در زمان گذشته ساده روی هجای اول قرار گرفته است. خط فاصله نشان‌دهنده فاصله تکواژهاست که به ترتیب /ba-/ پیشوند، /xer/ ستاک حال، /-d/ پسوند زمان گذشته، /e/ بین پسوند گذشته ساز و ضمائر شخصی متصل برای جلوگیری از تشکیل خوشه همخوانی به کار رفته است؛ به طوری که در گویش‌های ایرانی خوشه‌های همخوانی معمولاً به ندرت به کار می‌روند و با درج واکه یا حذف همخوان این خوشه‌ها از بین می‌روند. در اینجا، به دلیل ضرورت وجود هر دو تکواژ به صورت پسوند، فرایند حذف صورت نگرفته، بلکه فرایند درج واکه بین دو همخوان خوشه (cc) عمل کرده است. در پایان افعال، ضمائر شخصی متصل به صورت‌های me (من)، i (تو)، e (او)، mi (ما)، ni (شما) و ne (آنها) آمده‌اند.

جدول (۲) نشان‌دهنده صرف فعل در زمان گذشته نقلی است که در آن تکیه بر روی هجای دوم است.

جدول ۲. زمان گذشته نقلی در گویش قائم‌شهر

مفرد	معنی فارسی	جمع	معنی فارسی
ba-'xer-d-e-me	خورده‌ام	ba-'xer-d-e-mi	خورده‌ایم
ba-'xer-d-i	خورده‌ای	ba-'xer-d-e-ni	خورده‌اید
ba-'xer-d-e	خورده است	ba-'xer-d-e-ne	خورده‌اند

در جدول شماره (۳) زمان گذشته ساده و زمان گذشته نقلی به لحاظ جایگاه تکیه با یکدیگر مقایسه شده‌اند.

جدول ۳. گذشته ساده و نقلی در گویش قائم شهر و معادل فارسی آنها

گذشته ساده		گذشته نقلی	
'ba-di-me	دیدم	ba-'di-me	دیده‌ام
'ba-duf-i-me	دوشیدم	ba-'duf-i-me	دوشیده‌ام
'ba-dut-e-me	دو ختم	ba-'dut-e-me	دوخته‌ام
'ba-femess-e-me	فهمیدم	ba-'femess-e-me	فهمیده‌ام
'ba-gerdess-e-me	گشتم	ba-'gerdess-e-me	گشته‌ام
'ba-d3ust-e-me	جویدم	ba-'d3ust-e-me	جویده‌ام
'ba-kend-i-me	کندم	ba-'kend-i-me	کنده‌ام
'ba-kef-i-me	کشیدم	ba-'kef-i-me	کشیده‌ام
'ba-kuft-e-me	کشتم	ba-'kuft-e-me	کشته‌ام
'ba-kubess-e-me	کوبیدم	ba-'kubess-e-me	کوبیده‌ام
'ba-lerzess-e-me	لرزیدم	ba-'lerzess-e-me	لرزیده‌ام
'ba-merd-e-me	مردم	ba-'merd-e-me	مرده‌ام
'ba-muness-e-me	ماندم	ba-'muness-e-me	مانده‌ام
'ba-neveft-e-me	نو شتم	ba-'neveft-e-me	نوشته‌ام
'ba-pers-i-me	پرسیدم	ba-'pers-i-me	پرسیده‌ام
'ba-pet-e-me	پختم	ba-'pet-e-me	پخته‌ام
'ba-pperess-e-me	پریدم	ba-'pperess-e-me	پریده‌ام
'ba-rekess-e-me	خاراندم	ba-'rekess-e-me	خارانده‌ام
'ba-res-i-me	رسیدم	ba-'res-i-me	رسیده‌ام
'ba-ruft-e-me	زدم	ba-'ruft-e-me	زده‌ام
'ba-rut-e-me	فرو ختم	ba-'rut-e-me	فروخته‌ام
'ba-sus-e-me	ساییدم	ba-'sus-e-me	ساییده‌ام
'ba-sut-e-me	سو ختم	ba-'sut-e-me	سوخته‌ام
'ba-fend-i-me	ریختم	ba-'fend-i-me	ریخته‌ام
'ba-fust-e-me	شستم	ba-'fust-e-me	شسته‌ام
'ba-ters-i-me	ترسیدم	ba-'ters-i-me	ترسیده‌ام
'ba-tfef-i-me	چشیدم	ba-'tfef-i-me	چشیده‌ام
'ba-tfi-me	چیدم	ba-'tfi-me	چیده‌ام
'ba-verd-e-me	بردم	ba-'verd-e-me	برده‌ام
'ba-vri-me	بریدم	ba-'vri-me	بریده‌ام
'ba-xerd-e-me	خوردم	ba-'xerd-e-me	خورده‌ام
'ba-xet-e-me	خوابیدم	ba-'xet-e-me	خوابیده‌ام
'ba-xuness-e-me	خواندم	ba-'xuness-e-me	خوانده‌ام

'ba-xri-me	خریدم	ba-'xri-me	خریده‌ام
'ba-zzu-me	زدم	ba-'zzu-me	زده‌ام
'be-bâft-e-me	بافتم	be-'bâft-e-me	بافته‌ام
'be-bâxt-e-me	باختم	be-'bâxt-e-me	باخته‌ام
'be-baxf-i-me	بخشیدم	be-'baxf-i-me	بخشیده‌ام
'be-maless-e-me	مالیدم	be-'maless-e-me	مالیده‌ام
'be-nâless-e-me	نالیدم	be-'nâless-e-me	نالیده‌ام
'be-sât-e-me	ساختم	be-'sât-e-me	ساخته‌ام
'be-spâress-e-me	سپردم	be-'spâress-e-me	سپرده‌ام
'be-fkâft-e-me	شکافتم	be-'fkâft-e-me	شکافته‌ام
'be-fkess-e-me	شکستم	be-'fkess-e-me	شکسته‌ام
'be-fmâress-e-me	شمردم	be-'fmâress-e-me	شمرده‌ام
'be-fnâs-i-me	شناختم	be-'fnâs-i-me	شناخته‌ام
'be-fduss-e-me	شنیدم	be-'fduss-e-me	شنیده‌ام
'be-tâf-i-me	تراشیدم	be-'tâf-i-me	تراشیده‌ام
'be-xâss-e-me	خواستم	be-'xâss-e-me	خواسته‌ام
'da-geress-e-me	بازگشتم	da-'geress-e-me	بازگشته‌ام
'da-ket-e-me	افتادم	da-'ket-e-me	افتاده‌ام
'da-pit-e-me	پیچیدم	da-'pit-e-me	پیچیده‌ام
'da-puf-i-me	پوشیدم	da-'puf-i-me	پوشیده‌ام
'da-fend-i-me	ریختم	da-'fend-i-me	ریخته‌ام
'da-tfi-me	مرتب‌کردم	da-'tfi-me	مرتب کرده‌ام
'da-vess-e-me	بستم	da-'vess-e-me	بسته‌ام
'de-kâft-e-me	کاشتم	de-'kâft-e-me	کاشته‌ام
'hâ-dâ-me	دادم	hâ-'dâ-me	داده‌ام
'he-nift-e-me	نشستم	he-'nift-e-me	نشسته‌ام
'he-pâf-i-me	افشاندم	he-'pâf-i-me	افشانده‌ام

### تحلیل داده‌ها و نتیجه‌گیری

باتوجه به مثال‌های ارائه شده در جدول (۳)، تکیه در افعال گذشته ساده همیشه در هجای نخستین واژه قرار می‌گیرد و وقتی جایگاه تکیه از هجای نخستین به هجای دوم انتقال می‌یابد، فعل گذشته ساده به گذشته نقلی تبدیل می‌شود. به عبارت دیگر، تغییر مکان تکیه از هجای پیشوند و انتقال آن به هجای ستاک فعل موجب تبدیل فعل گذشته ساده به گذشته نقلی می‌گردد، بدون اینکه هیچ‌گونه تغییر واجی یا آوایی دیگری در واژه

صورت گیرد. این موضوع بیانگر ویژگی تمایزدهنده تکیه در زمان دستوری و معنی برخی افعال در گویش قائم شهر است.

بررسی افعال در گویش مازندرانی قائم‌شهر نشان می‌دهد که این تغییر جای تکیه در افعالی دیده می‌شود که پیشوندی‌اند. این پیشوندها در گذشته معنی دار بوده‌اند و در حال حاضر معنای خود را از دست داده‌اند و فقط در ساخت صوری فعل باقی مانده‌اند، مانند "ba-xerd-en" (خوردن) که در آن «-en» نشانه دستوری مصدر است. در آن دسته از افعال پیشوندی که پیشوند معنای خود را حفظ کرده است این فرایند دیده نمی‌شود، مانند "bar-degârdi-?en" (برگردانیدن)، "dar-biyârd-en" (درآوردن)، "dar-burd-en" (در رفتن، گریختن)، "râ-bay-en" (افتادن)؛ همچنین افعال مرکب تشکیل شده از دو ستاک، مانند "es-hâkerd-en" (ایستادن)، "hul-bayt-en" (عجله کردن)، "dam-bazu-?en" (استراحت کردن)، و افعال ساده، مانند "burd-en" (رفتن)، "ba?ut-en" (گفتن)، "bayt-en" (گرفتن). لازم به ذکر است که افعال ساده هیچ‌گونه پیشوندی ندارند و تعدادشان در این گویش بسیار اندک است.

نتیجه دیگر این تحقیق شناخت واکه‌هایی است که توجیه و تبیین آنها تاکنون دشوار بوده است و دلایل وجودشان در تحقیق دیگری ذکر نشده است. واکه [e] بین تکواژ گذشته‌ساز و ضمائر شخصی متصل آغاز شده با همخوان (مانند [me, mi, ni, ne]) قرار می‌گیرد. با بررسی داده‌ها و جایگاه این واکه، نتیجه این شد که در صورت اشتقاقی فعل همراه با وندهای مختلف، هر جا توالی سه همخوان در یک ساخت دیده شود، بین همخوان دوم و سوم، برای جلوگیری از تشکیل خوشه‌های همخوانی، واکه [e] درج می‌شود. این واکه معنای خاصی ندارد و وند محسوب نمی‌شود، بلکه فقط در بافت فوق دیده می‌شود.

## منابع

- جمشیدی، آمنه (۱۳۷۷). «آواشناسی و واج‌شناسی گویش قائم‌شهر». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه تهران.
- شکری، گیتی (۱۳۷۴). گویش ساری (مازندرانی). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- کیا، محمدصادق (۱۳۱۶). واژه‌نامه طبری. تهران: انجمن ایران‌ویچ.
- نجف‌زاده بارفروش، محمدباقر (۱۳۶۸). واژه‌نامه مازندرانی. تهران: بنیاد نیشابور.
- هومند، نصرالله (۱۳۶۹). پژوهشی در زبان طبری. آمل: کتابسرای طالب آملی.

- CAIFORD, J.C. (1988). *A Practical Introduction to Phonetics*. Oxford: Clarendon Press.
- CRYSTAL, D., (1991). *A Dictionary of Linguistics and Phonetics*. Oxford: Blackwell Publishers.
- CRYSTAL, D., (1992). *An Encyclopedic Dictionary of Language and Languages*. Oxford: Blackwell Publishers.
- KENSTOWICZ, M.J., (1994). *Phonology in Generative Grammar*. Oxford: Blackwell.

